

تأثیر نظام بانکی بر رشد و توسعه چین

سخنران:

زهرا کریمی موعاری (عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران)

دبیر جلسه:

دکتر علی متوسلی

(مدیر کل دفتر خدمات پژوهشی و عضو هیئت علمی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی)

اعضای پنل:

دکتر سید احمدرضا جلالی نائینی

(عضو هیئت علمی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی)

دکتر امینه محمودزاده

(عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف)

۱۳۹۸/۱۱/۱۴



موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

مطالب مندرج در این گزارش منحصرآ گفته‌های سخنرانان است و به هیچ وجه منعکس‌کننده نظر موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی نیست.

نشست تخصصی تاثیر نظام بانکی بر رشد و توسعه چین با حضور خانم دکتر زهرا کریمی موغاری (عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران) به عنوان سخنران و جمعی از کارشناسان در تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۴ در محل سالن کنفرانس طبقه ۴ ساختمان آموزش و پژوهش موسسه برگزار گردید.

آقای دکتر علی متوسلی، مدیرکل دفتر خدمات پژوهشی موسسه، ضمن خیرمقدم به حضار، جلسه را با ارائه‌ی مقدمه‌ای در خصوص کشورهای شرق آسیا آغاز نمودند.

دکتر علی متوسلی

تولید ناخالص داخلی کشورهای آسیای شرقی در طول چند دهه سالانه ۵٪ رشد کرده است. همین عملکرد تحسین برانگیز، آنها را به "بیرهای آسیایی" معروف کرده است. در میان کشورهای آسیای شرقی کشور چین در طی چهار دهه توانسته است رشد هشت درصدی را در درآمد سالیانه خود ثبت کند. از این جهت لازم است مورد چین را به لحاظ عوامل موثر در این رشد مورد توجه قرار دهیم. نتایج مطالعات حسابداری رشد چین نیمی از این هشت درصد رشد سالانه GDP را ناشی از انباشت عوامل تولید (مثل سرمایه‌گذاری) و نیمی دیگر را ناشی از رشد بهره‌وری می‌داند. نظام بانکی هم در تسهیل سرمایه‌گذاری و هم احتمالاً در رشد بهره‌وری چین موثر بوده که بررسی این نقش موضوع جلسه امروز است.

دکتر زهرا کریمی

چین پیش از اصلاحات اقتصادی یک کشور منزوی و فقیر بود که کل نظام بانکی آن در بانک خلق چین خلاصه می‌شد. این بانک هم به عنوان بانک مرکزی و هم به عنوان بانک تجاری زیر نظر وزارت اقتصاد فعالیت داشته است. می‌توان گفت در آن سال‌ها نظام بانکی مستقلی وجود نداشته و هدف اصلی بانک این بوده که همانند نهادهای دولتی دیگر در اختیار برنامه‌ریزی مرکزی و در خدمت تامین مالی برای بنگاه‌های دولتی باشد.

در دهه پنجاه میلادی چین در تلاش برای ایجاد نظام بانکی متکثر اقدام به تاسیس بانک ساختمان و بانک کشاورزی به عنوان بانک تخصصی می‌نماید که تا پایان دهه این بانک‌ها نیز تعطیل می‌شوند. دوباره در دهه شصت، دولت اقدام به بازگشایی این دو بانک می‌کند که در سال ۱۹۶۸، همزمان با انقلاب فرهنگی، بانک ساختمان در وزارت اقتصاد و بانک کشاورزی در بانک خلق چین ادغام می‌شود.

بانک چین Bank of China در سال ۱۹۱۲ (پس از شکل‌گیری جمهوری چین) به عنوان بانک مرکزی جمهوری چین و به مرکزیت شانگهای شروع به کار می‌کند که پس از به قدرت رسیدن کمونیست‌ها در سال ۱۹۴۹ مدیریت بانک به بیجینگ^۱ (پکن) منتقل می‌شود و در سال ۱۹۵۰ به عنوان واحد عملیات ارزی در بانک خلق چین People Bank of China ادغام می‌گردد.

1 . Beijing

اصلاحات در چین از سال ۱۹۷۶ پس از مرگ مائو و به قدرت رسیدن اصلاح طلبان آغاز می‌گردد. در چین برخلاف تجربه پس از فروپاشی اتحاد شوروی اصلاحات به کندی و تدریجی پیگیری می‌شود. این روند کند در اصلاح نظام بانکی نیز نمود دارد، که با احتیاط در انجام اصلاحات در نظام بانکی، انحصار بانک خلق چین از میان برداشته می‌شود. چهار بانک دولتی جدید، یعنی بانک کشاورزی، بانک چین، بانک ساختمان، بانک صنعت و تجارت تاسیس می‌شود. با آغاز دهه نود میلادی بازار بورس شانگهای که در سال ۱۹۴۹ با روی کار آمدن کمونیست‌ها تعطیل شده بود، بازگشایی شده و از طرفی دیگر بازار بورس شنزن شروع به فعالیت می‌نماید. همچنین بانک‌های تخصصی تاسیس می‌شوند که وظیفه حمایت از بنگاه‌های دولتی از دوش بانک‌های تجاری برداشته شود.

شاخص نسبت تسهیلات نظام بانکی به تولید ناخالص داخلی چین از سال ۱۹۷۷ تا سال ۲۰۱۸ روندی صعودی داشته و از پنجاه درصد در دهه ۱۹۷۰ به بالای دویست درصد در دهه دوم قرن بیست و یکم رسیده است. این شاخص هم‌اکنون مشابه کشورهای صنعتی همچون ژاپن است.

سیاست چین در اعطای تسهیلات سخاوتمندانه، به ایجاد بحران در نظام بانکی در اواخر دهه نود منجر شد. این مشکلات شامل کمبود سرمایه، افزایش نسبت وام‌های معوقه و کاهش توان نظام بانکی برای ارائه وام‌های جدید بود. بروز بحران مالی در آسیای شرقی تاثیر منفی این مشکلات را بر اقتصاد چین بیشتر کرد. دولت چین برای نجات نظام بانکی خود و خروج از این بحران، سیاست‌های جدیدی اعمال کرد. این سیاست‌ها عبارت بودند از:

- افزایش سرمایه بانک‌ها

- انتشار ۲۷۰ میلیارد یوان اوراق قرضه برای افزایش سرمایه بانک‌های دولتی تجاری (۴ بانک بزرگ)

- خارج کردن وام‌های معوقه از ترازنامه بانک‌ها

- تاسیس ۴ موسسه مدیریت دارایی برای خارج کردن ۱۴۰۰ میلیارد یوان وام معوقه از بانک‌ها.

پس از عضویت چین در سازمان تجارت جهانی در اواخر سال ۲۰۰۱، این تصور وجود داشت که با ورود بانک‌های خارجی به چین، بانک‌های داخلی توان رقابت نخواهند داشت. آنچه در عمل اتفاق افتاد بسیار متفاوت از آنچه بود که پیش‌بینی می‌شد. ۴ بانک بزرگ چین به همراه بانک جدید مخابرات که شعبات فراوانی در سراسر چین و بسیاری از کشورهای جهان دارند و تسهیلات هنگفتی در اختیار مشتریان خود قرار می‌دهند با قدرت وارد بازارهای بورس بین‌المللی شدند. برای مالکیت شرکت‌های خارجی در بانک‌های چینی محدودیت در نظر گرفته شد. شرکت‌های خارجی فقط می‌توانند تا سقف ۲۰٪ از سهام بانک‌های چینی را خریداری کنند. حضور بانک‌های خارجی تهدیدی برای نظام بانکی داخلی چین نبوده بلکه به ایجاد رقابت منجر شده و سبب گردیده تا بانک‌های داخلی با کارایی بیشتر و همگام با تکنولوژی روز به وظایف خود عمل نمایند.

چین پس از حضور در سازمان تجارت جهانی به اصلاحات اساسی در نظام بانکی اقدام کرد. در آن زمان اجرای سیاست‌های محرک اقتصادی (شامل حمایت از بخش‌های صادراتی و تامین مالی پروژه‌های زیربنایی) از طریق بانک‌های بزرگ دولتی منجر به بهبود سودآوری و کیفیت دارایی بانک‌ها و ارتقاء رتبه‌ی بانک‌های چینی در جهان شد. امروزه ۴ بانک بزرگ دولتی چین از نظر میزان دارایی و سودآوری بزرگ‌ترین بانک‌های جهان هستند. در نهایت چین توانست گام بلندی در راستای بین‌المللی کردن یوان (پول ملی چین) بردارد.

نرخ رشد اقتصادی چین در زمان بحران مالی جهانی کاهش چندانی نیافت و پس از گذر از بحران، سرعت رشد خود را حفظ نمود. ولی از سال ۲۰۱۲، نرخ رشد چین کاهش یافته و در دو سال اخیر در حدود شش و نیم درصد حفظ شده است. این نرخ رشد، به نظر می‌رسد که نرخ‌های کنونی، رشدی واقعی و منطقی برای اقتصاد چین محسوب می‌شود. با توجه به شرایط خاص موجود در جامعه و کنترل‌های اعمال شده از سوی دولت بر وسایل ارتباط جمعی و اینترنت، دولت برای حفظ مشروعیت و راضی نگه داشتن مردم، برای تداوم نرخ رشد بالا بسیار تلاش می‌کند. مقابله جدی با تورم همراه با حفظ رشد اقتصادی برای دولت چین از اهمیت بالایی برخوردار است.

مهم‌ترین ویژگی‌های نظام بانکی چین عبارت است از:

- تلاش بانک مرکزی برای هدایت بانک‌ها در تعیین نرخ بهره سپرده و وام
- کنترل جریان انتقال سرمایه
- تاکید بانک مرکزی بر برخورد بانک‌ها با شرکت‌های بحران زده
 - ادغام یا فروش بنگاه‌های بدهکار
- تسهیل در اعطای وام به شرکت‌های تازه تاسیس
 - حمایت از بنگاه‌های صادراتی
 - حمایت از سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی در خارج.

و در مورد مهم‌ترین عوامل موثر بر موفقیت اقتصادی چین می‌توان به اختصار به موارد زیر اشاره نمود:

- دولت توسعه‌گرا و کارآفرین
 - ثبات داخلی
 - تنش‌زدایی در روابط بین‌الملل
- باز شدن اقتصاد چین بر روی جهان
- نقش مهاجران چینی در ورود سرمایه‌های مادی و معنوی
- هماهنگی در سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری
- مقابله جدی با تورم همراه با حفظ رشد اقتصادی.

در ادامه اعضای پنل به ارائه نظرات خود پرداختند.

دکتر سید احمدرضا جلالی

با توجه به الگوهای سنتی رشد مانند سولو، با تامین مالی انباشت و رشد بلند مدت حاصل نمی‌شود، بنابراین ربط دادن وام‌های بانکی به نرخ رشد از لحاظ تئوریک نامحتمل می‌نماید. در صورت قبول این فرض که تسهیلات بانکی نقش عمده‌ای در رشد اقتصادی چین داشته است، تجربه دنیا نشان می‌دهد که این مسئله در میان مدت می‌تواند ادامه یابد اما در بلند مدت توفیقی حاصل نخواهد شد.

دکتر امینه محمودزاده

آنچه که از شواهد برمی‌آید این است که اگر ما بازه بررسی اقتصاد چین را در ده سال اخیر بررسی کنیم، با آنچه از حسابداری رشد در بالا ارائه شده متفاوت خواهد بود. در ده سال اخیر سهم انباشت سرمایه ۷٪ از ۱۰٪ رشد کل بوده که سهم بزرگی است، انباشت سرمایه می‌تواند عامل رشد باشد اما نمی‌تواند منجر به رشد پایدار گردد.

نکته دوم قابل تامل این است که چین از رشد سریع به رشد با کیفیت متمایل شده است. سرمایه‌گذاری به سمت تکنولوژی رفته است و می‌تواند نشان‌دهنده آغاز راهی باشد که در نهایت شاهد انتقال عاملیت رشد از انباشت سرمایه به نفع تکنولوژی باشد.